

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۴ (پیاپی ۲۱) زمستان ۸۷

ساختار روایت در هفت پیکر* (علمی - پژوهشی)

دکتر احمد امیری خراسانی

دانشیار دانشگاه کرمان

دکتر محمد رضا صرفی

دانشیار دانشگاه کرمان

دکتر محمد صادق بصیری

استادیار دانشگاه کرمان

نسرین فلاح

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه کرمان

چکیده

از جمله بررسیهایی که در روشن کردن ساز و کار روایت به موفقیت چشمگیری دست یافته، تجزیه و تحلیل تودورف و روش او در بررسی قصه های عامیانه است. او نخست بر اساس نوع ارتباط منطقی واحدهای ساختاری، دو نوع روایت را از یکدیگر تمیز می دهد: روایت اسطوره ای و ایدئولوژیک. وی با بر شمردن ویژگیهای روایت اسطوره ای این نوع روایی را از جنبه های مختلف مورد توجه قرار داده است. تودورف با کشف ساختار این گونه روایتی، نظریه دستور جهانی خود را ارائه کرده است.

این نوشته با بررسی و تحلیل هفت پیکر، ساختار روایی آن را در دو مقوله صفت و فعل بررسی می کند. بدیهی است کشف ساختار این اثر راهگشای ما در کشف ساختار آثاری مشابه و درک نظریه دستور جهانی روایت خواهد بود. به این منظور ابتدا توضیحی درباره نظریه تودورف داده می شود. سپس ساختار روایی صفت و فعل در هفت پیکر بررسی می گردد.

واژگان کلیدی: هفت پیکر، ساختار روایت، نظریه تودورف، فعل و صفت.

مقدمه

ساختار، حاصل تمام روابط عناصر تشکیل دهنده اثر با یکدیگر است (علوی مقدم، ۱۳۷۷، ص ۱۸۶). عناصر گوناگون متن، شکل دهنده نوعی وحدت است. در ساختگرایی، وحدت چیزی نیست که در متن باشد، بلکه راهبرد یا قراردادی است که خوانندگان در تلاش برای تأویل متن به کار می گیرند (سلدن، ۱۳۷۵، ص ۲۱۹). ژان پیازه ساختار را متشکل از سه ایده کلیت، گشتار و خود تنظیمی می داند. مقصود وی از کلیت، عناصری است که بر طبق قوانین ترکیب تنظیم شده اند. گشتار توانایی تغییر متقابل یا جرح و تعدیل اجزای یک ساختار بر اساس قواعدی معین است. مقصود پیازه از خود تنظیمی، تأثیر متقابل انتظار و اصلاح در نظامهای سیبرنتیکی و مکانیسمهای ریتمیک است (اسکولز، ۱۳۸۳، ص ۲۸۵). از دیدگاه ساختارگرایان متن رونوشتی از ژرف ساخت و نقد ساختارگرایانه رونوشتی از این رونوشت است (ایگلتون، ۱۳۸۰، ص ۱۵۵). هم چنین بررسی ساختارگرایانه متن، نقشی مانند دستور در گفتمان ایفا می کند: نحو درباره اینکه یک جمله چه معنایی دارد، سخن نمی گوید؛ بلکه به چگونگی حصول معنا می پردازد (گرین، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

از دیدگاه ژنت، متن به سه نوع عمده تقسیم می شود: ماجرا، حکایت و روایت (ایوتادیه، ۱۳۷۸، ص ۲۸۲). روایت به روابط میان گوینده یا نویسنده یا شنونده یا خواننده اطلاق می شود (مارتین، ۱۳۸۲، ص ۷۸). روایت با تاریخ بشر آغاز می شود. روایات جهان بی شمارند و در ژانرهای متنوعی جای دارند (اسابراگر، ۱۳۸۰، ص ۲). اساس نظریه روایتی ساختگرا بر اندیشه سوسور استوار است که در آن نظام زبانی یکسان می تواند مجموعه نامحدودی از گفته ها را تولید کند (سلدن، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶). ولادیمیر پراپ (Vladimir prop)، لوی استروس (Levi Strauss)، آ. ژ. گرماس (A.g Greimas)، کلود برمون (Claude Bermond)، رولان بارت (Roland Barthes)، تزوتان تو دورف (Tzvetan todorov) و ژرار ژنت (Gerard

Genette) از بزرگترین منتقدان ساختار گرای روایت هستند (ر.ک. لچت، ۱۳۸۳).

تودورف اولین بار در کتاب «دستور زبان دکامرون» واژه روایت شناسی را به عنوان علم مطالعه قصه به کار می برد. او یادآور می شود که مقصودش از این واژه معنای وسیع آن است و تنها به بررسی قصه، داستان و رمان محدود نیست و تمامی گونه های روایت را در بر می گیرد (اخوت، ۱۳۷۱، ص ۷). تودورف با پژوهشهای خود، نظریه دستور جهانی روایت را ارائه کرد. از دیدگاه وی اساس تجربه عمومی انسان از حد زبانهای محدود و مشخصی تجاوز می کند و در نهایت، همه زبانها و سیستم های معنی دار را شکل می دهد (هاوکس، ۱۹۷۷، ص ۹۵). دستور وی نه تنها به همه زبانهای جهان شکل می دهد، بلکه با ساختار جهان نیز مطابقت می کند (سجودی، ۱۳۸۴، ص ۶۹). تودورف معتقد است که نظریه او با اتصال ساختار روایت به ساختار زبانشناسی، ما را در درک بهتر بافت روایت یاری می دهد (کالر، ۱۹۷۵، ص ۲۱۶)، سه جنبه دستور جهانی این روایت علم معانی، نحو و کلام را در بر می گیرد (هاوکس، ۱۹۷۷، ص ۹۶).

تلاش عمده تودورف بر نحو روایت متمرکز می شود. وی با طرح انواع علیت به بررسی دو نوع روایت می پردازد. روایت اسطوره ای که در آن واحد های کمینه علیت، رابطه ای بی واسطه بایکدیگر برقرار می کنند و روایت ایدئولوژیک که رابطه ی مستقیمی میان واحد های سازنده اش برقرار نمی کند. اما این واحد ها همچون نمود های اندیشه ای واحد و قانونی واحد جلوه می کنند (تودورف، ۱۳۸۲، ص ۷۹).

تودورف با مطالعه ساختار روایت اسطوره ای، واحد های سازنده آن را گزاره، پی رفت و قصه می داند (اسکولز، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱). گزاره عنصر پایه ای نحو است که عمل یا نقشی تقلیل ناپذیر را در بر می گیرد (هاوکس، ۱۹۷۰، ص ۹۷). از دیدگاه تودورف مفهوم گزاره با اصطلاح بنمایه توماشفسکی برابر است. توماشفسکی کوچکترین واحد تجزیه ناپذیر درونمایه را بنمایه می نامد (تودورف، ۱۳۸۵، ص ۲۹۹). یک پی رفت کامل از مجموع پنج گزاره شکل

می‌گیرد. هر پی رفت کامل، انتقال از یک حالت پایدار به حالت پایدار دیگر است (بالایی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۱). هر روایت آرمانی، با وضعیتی متعادل آغاز می‌شود که نیرویی آن را بر هم می‌زند. در نتیجه وضعیتی نامتعادل ایجاد می‌شود. با کنش نیرویی دیگر، تعادل باز برقرار می‌شود. این تعادل ثانویه با تعادل اولیه یکسان نیست. بنابر این دو نوع گزاره وجود دارد: اول گزاره‌هایی که یک حالت متعادل یا نامتعادل را شرح می‌دهد. دوم گزاره‌هایی که انتقال از یک حالت به حالت دیگر را شرح می‌دهد. گروه اول صفات روایی و گروه دوم کنش‌های روایت را در بر می‌گیرد (تودورف، ۱۹۸۱، ص ۵۱). اما ممکن است داستانی تمامی این مسیر را طی نکند و فقط قسمتی از این حرکت را عرضه کند؛ بدین معنی که داستان می‌تواند فقط انتقال از یک حالت پایدار به ناپایدار یا برعکس را شرح دهد (اخلاقی، ۱۳۷۶، ص ۷۰).

جزء سوم هر پی رفت اسم خاص یا شخصیت است. یک گزاره از تلفیق یک شخصیت و یک کنش (که ممکن است شامل عنصری دیگر به عنوان مفعول باشد) یا یک ویژگی تشکیل می‌شود (اسکولز، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱). شخصیتها قهرمان، خبیث یا مددکار نیستند. آنها فاعل ساده گروهی از گزاره‌ها هستند که خواننده در روند روایت جمع می‌کند (کالر، ۱۹۷۵، ص ۲۳۵). بدین ترتیب تودورف با مطالعه داستانهای دکامرون تمامی صفات روایی را در سه دسته وضعیت، کیفیت و شرایط طبقه بندی می‌کند (همان، ص ۱۶۲). هم چنین کنش‌های دکامرون به سه فعل تقلیل می‌یابند: دگرگون شدن، گناه کردن و مجازات شدن (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۳). تودورف بر اساس این کنش‌ها انواع روایت را ارائه می‌کند (کالر، ۱۹۷۵، ص ۲۱۶).

در این مقاله ابتدا پی رفته‌ها بر اساس گونه شناسی نوع روایت طبقه بندی می‌شود؛ این گونه شناسی بر اساس قضایای متناوب صورت می‌گیرد. قضایای متناوب در هر روایت، کنش‌هایی است که برای برقراری تعادل مجدد صورت می‌گیرد. هر کدام از این پی‌رفته‌ها در سه دسته جداگانه قرار می‌گیرد. انواع پی رفت اقسامی نیز دارد که با بررسی همه آنها نتیجه‌نهایی مطرح می‌شود. در این

مقاله مجال طرح همه پی رفتها نیست؛ لذا به شرح چند نمونه بسنده می شود و سپس در جدولهای جداگانه، صفات و افعال آنها از جنبه های مختلف بررسی می گردد.

پاره ای از داستانهای هفت پیکر در نوع روایی دفع خطر می گنجد. چنین به نظر می رسد که داستانهای دفع خطر در هفت پیکر از نوع ادبی آن متأثر است. بافت حماسی - غنایی هفت پیکر ترکیب انواع متعدد روایی را ضروری می سازد. حضور شاه بهرام گور به عنوان شخصیت تاریخی حکومت ایران، هم چنین عناصر متعدد وابسته آن بافت حماسی این نوع روایی را تقویت می کند. در قصه های هفتگانه، حضور عناصر حماسی آشکارا کاهش می یابد. تسلط عناصر آموزشی و برجستگی بافت غنایی این بخش، دامنه و تأثیر نوع روایی دفع خطر را کاهش داده است. قصه های این بخش عموماً در خدمت هدف آموزشی نویسنده و اراده او شکل می گیرد. بنابراین از میزان دقت و تأکید نویسنده بر مسائل حکومتی و لوازم جانبی آن کاسته می شود.

نوع روایی دفع خطرپانزده پی رفت را در بر می گیرد. در این پی رفتها نخستین کنش، تعادل اولیه پی رفت را بر هم می زند. بدین ترتیب، خطر شکل می گیرد. کنش دوم، خطر را برطرف می سازد و موجب تعادل پی رفت می شود. نمونه های زیر از این قبیل است:

الف - بهرام نیکو طالع است ← نحوست طالع شاه فرزندان او را می کشد ← ... ← اجرای پیشگویی منجمان نحوست طالع را دفع می کند ← نیکویی مجدد طالع برقرار می شود.

وضعیت آغازین پی رفت، نیکویی طالع بهرام را توصیف می کند. نحوست طالع شاه موجب مرگ فرزندان او می شود؛ لذا وقوع نخستین کنش به شکل گیری خطر منجر می گردد. پس خطر مرگ بهرام از وضعیت موجود استنباط می شود. این خطر، که عدم تعادل پی رفت را توصیف می کند در بطن روایت تصریح نشده است، بلکه به اشاره از جمله با بیت:

پدر از مهر زندگانی او دور شد زو زمهربانی او

بیان شده است. اجرای حکم منجمان، خطر موجود را برطرف می‌سازد. این گزاره فعل پیشگویی کردن را در بر می‌گیرد. بهرام به یمن می‌رود و نیکویی طالع او با تغییر محیط زندگی وی برقرار می‌شود. صفات و افعال این پی رفت به شرح زیر است: صفات: نیکویی طالع بهرام ← ... ← نیکویی مجدد طالع

افعال: نحسی طالع شاه خطر مرگ فرزندان او را به وجود می‌آورد ← اجرای پیشگویی منجمان، خطر مرگ را دفع می‌کند. بنابراین عناصر پی رفت فوق را می‌توان به شکل زیر بیان کرد:

بهرام نیکو طالع است ← نحوست طالع شاه فرزندان را می‌کشد ← خطر مرگ بهرام ← اجرای پیشگویی منجمان نحوست طالع را دفع می‌کند ← نیکویی مجدد طالع.

ب - پیرزن به کنیزک چینی حسادت می‌کند ← پیرزن کنیزک را فریب می‌دهد ← پیرزن رسوا و اخراج می‌شود ← پیرزن از کنیزک انتقام می‌گیرد ← پیرزن موقتاً کامیاب می‌شود.

این پی رفت از وضعیت عدم تعادل آغاز می‌شود و به توصیف حسادت پیرزن نسبت به کنیزک چینی می‌پردازد. کنش اولیه این پی رفت در جهت برقراری تعادل مطلوب پیرزن ناموفق است. این کنش ناموفق فریب دادن کنیزک است. عدم تعادل مجدد پی رفت، رسوایی و اخراج پیرزن را توصیف می‌کند. دومین کنش در برقراری تعادل موفق است. این کنش موفق انتقام جویی پیرزن است. وضعیت پایانی این نیم پی رفت کامیابی موقت پیرزن را در دفع خطر رقیب توصیف می‌کند. صفات و افعال این نیم پی رفت یا پی رفت معکوس عبارت است از:

صفات: حسادت پیرزن ← رسوایی پیرزن ← کامیابی موقت پیرزن
افعال: فریب دادن رقیب که کنشی ناموفق در دفع خطر رقیب است ← انتقام جویی از رقیب که کنشی موفق در دفع موقتی خطر رقیب است.

پاره ای دیگر از داستانهای هفت پیکر در نوع روایی رفع نیاز جای می‌گیرد. داستانهای رفع نیاز به سه مقوله عمده تقسیم می‌شود که عبارت است از:

۱- رفع نیاز کنجکاوی

۲- رفع نیاز عاشقانه

۳- رفع نیاز مادی

نوع روایی داستانهای رفع نیاز کنجکاوی براساس میل ذاتی و غریزی انسان به کسب آگاهی بیشتر شکل می گیرد. این کنجکاوی برای کشف موقعیتی اسرارآمیز و یا در جهت رسیدن به مطلوب ذهنی و آرمان فکری شخص صورت می گیرد؛ اما در اغلب داستانهای این بخش، کنجکاوی شخصیتها در جهت تکمیل عیش و تسکین خاطر آنها صورت می گیرد. این نوع نیاز روحی اساس قصه های هفتگانه را تشکیل می دهد. در پاره ای دیگر از این نوع روایی، کنجکاوی شخصیتها بهانه ای برای ادامه قصه و شکل گیری طرح حوادث است. هر چند این نوع روایی نیز به کشف راز سرنوشت افراد منجر می گردد، درخواستهای متعدد و حضور راویان متفاوت، شگردهای هنرمندانه نویسنده را در روایتگری نشان می دهد.

رفع نیاز عاشقانه نوع دیگر داستانهای رفع نیاز است. قهرمان این نوع روایتها گرفتار عشقی ناگهانی می گردد و از آن پس برای وصال معشوق خود تلاش می کند. پاره ای دیگر از داستانهای رفع نیاز، رفع نیازهای مادی را در بر می گیرد. نوع روایی رفع نیاز کنجکاوی، سیزده پی رفت را در بر می گیرد. نمونه های زیر از این قبیل است:

الف - بهرام، شادمان و فارغ است ← بهرام با دری بسته در خورنق رو به رو می شود ← بهرام، متعجب و شگفت زده است ← وی راز سرنوشت خود را کشف می کند ← بهرام عاشق است.

صفات: فراغت بهرام ← تعجب و شگفتی او ← دلباختگی بهرام

افعال: رویارویی با دری بسته موجب کنجکاوی می گردد ← کشف راز سرنوشت نیاز کنجکاوی را رفع می کند.

ب - شاه بهرام سیاه پوش در روز شنبه در گنبد سیاه به بزم می نشیند ← شاه از بانوی هندوی خود درخواست قصه ای می کند ← بانوی گنبد به دعای دولت

شاه می پردازد ← بانوی هندو قصه شاه سیاه پوش را نقل می کند ← شاه خوشنود می شود.

صفات: عیش شاه بهرام ← دعای بانوی گنبد ← رضایت شاه بهرام
 افعال: درخواست قصه کنجکاوی شخصیت را نشان می دهد ← قصه گویی
 رفع نیاز کنجکاوی را نشان می دهد.

همان گونه که ذکر شد، پی رفت اصلی قصه های هفتگانه ساختار مشابهی دارد. نوع روایی این قصه ها، رفع نیاز کنجکاوی است. یگانگی صفات و افعال این پی رفتها با یگانگی شخصیت کنشگر اصلی آن همراه است. در همه این پی رفتها نقش فاعلی بهرام گور به عنوان متقاضی قصه مطرح می شود. بانوی گنبد مخاطب او و قصه گوی پی رفت است. هر چند نام او تغییر می کند، نقش نحوی و نوع آن تغییری نمی یابد.

بخش دوم داستانهای رفع نیاز به نیازهای عاشقانه اختصاص می یابد. این نوع روایی پنج پی رفت را در بر می گیرد. کنش ثانویه این پی رفتها تلاش برای وصال و رفع نیاز عاشقانه است؛ مثال:

پ - شاه بهرام به بزم می نشیند ← وی راز دلباختگی خود را به یاد می آورد ← شاه بیتاب و بی قرار می شود ← شاه بهرام دختران هفت اقلیم را خواستگاری می کند ← شاه به بزم می نشیند.

صفات: عیش شاه بهرام ← بیتابی و بی قراری شاه ← عیش مضاعف شاه بهرام
 افعال: یادآوری راز دلباختگی، موقعیت نیاز عاشقانه را شکل می دهد ← خواستگاری مطلوب، تلاش شاه را برای رفع نیاز عاشقانه نشان می دهد.

دسته ای دیگر از داستانهای رفع نیاز، نیازهای مادی را در بر می گیرد که شامل سه پی رفت می شود. کنش ثانویه این پی رفتها در جهت رفع نیازهای مادی شکل می گیرد. نمونه زیر از این قبیل است:

ت - بهرام با آسودگی و رفاه در سرزمین عرب زندگی می کند ← بهرام همزمان با رشد و بالندگی خود به امکانات مطلوبتری نیاز می یابد ← بهرام از

خشکی هوای یمن آزرده می شود ← نعمان، قصر خورتق را می سازد ← رفاه و آسودگی بیشتر بهرام فراهم می شود.

صفات: آسودگی و رفاه بهرام ← آزرده گی بهرام ← آسودگی و رفاه مضاعف بهرام

افعال: نیازمندی به امکانات مطلوب زندگی شکل می گیرد ← ساخت قصر خورتق، موجب رفع نیاز مادی می گردد.

پاره ای دیگر از روایتهای هفت پیکر از نوع روایی خطا است. نوع روایی خطا به دو مقوله عمده تقسیم می شود که عبارت است از:

۱- خطا ← رفع خطا

۲- خطا ← مجازات خطا

نوع روایی رفع خطا از دو کنش تشکیل می شود: کنش اولیه به شکل گیری موقعیت خطا منجر می گردد. کنش ثانویه حرکت برای رفع خطا و بهبود وضعیت است. این حرکت عموماً در جهت بازگشت به وضعیت آغازین پی رفت صورت می گیرد. در پاره ای موارد، کنش ثانویه پی رفت در جهت گریز از مجازات یا بهبود وضعیت شکل می گیرد.

نوع روایی مجازات خطا نیز از دو کنش تشکیل می شود: وقوع کنش اولیه نوعی خطا محسوب می شود. کنش ثانوی پی رفت با مجازات این خطا شکل می گیرد. مجازات خطا وضعیتی متقابل با وضعیت اولیه یا فراتر از وضعیت اولیه و هم ارز با آن به وجود می آورد.

نوع روایی رفع خطا پانزده پی رفت را در بر می گیرد؛ مثالهای ذیل از این قبیل است:

الف- ماهان زیبارو و عیاش در باغ به بزم می نشیند ← ماهان برای سودجویی، یکی از دوستان خود را همراهی می کند ← ماهان در بیابان گمراه می شود ← او برای راهیابی و ادامه زندگی تلاش می کند ← ماهان با کمک خضر نجات می یابد.

صفات: عیاشی ماهان ← گمراهی او ← هدایت ماهان

افعال: سودجویی ماهان، موقعیت خطای او را شکل می دهد ← هدایت جویی ماهان خطای او را رفع می کند.

از دیگر داستانهای نوع روایی رفع خطا مجموع پی رفتهای هفتگانه ای است که به شکایت هفت مظلوم از وزیر بهرام اختصاص می یابد. این هفت پی رفت از ساختار مشابهی پیروی می کند؛ اما شخصیتها و چگونگی شکل گیری کنش آنها متفاوت است. حضور دو شخصیت اصلی بهرام گور و وزیر او در تشابه ساختاری این پی رفتهای نقش مؤثری دارد. از سوی دیگر، ساختار افعال و صفات آنها نیز یکسان است. حذف وضعیت آغازین پی رفت اول و حذف وضعیت پایانی پی رفتهای دوم، سوم، چهارم و پنجم از موارد متفاوت ساختار صفات این پی رفتهاست. مثال زیر، شکایت مظلوم اول را نشان می دهد:

ب ← وزیر برادر مظلوم را می کشد ← مظلوم زندانی می شود ← شاه بهرام، مظلوم را آزاد می کند و خونبهای برادر را به او می دهد ← مظلوم خشنود می شود.

صفات: . . . ← حبس مظلوم ← خشنودی مظلوم

افعال: ستم و تعدی به جان و مال، خطا را شکل می دهد ← اجرای عدالت در بازگرداندن مال و اعطای خونبها خطا را رفع می کند.

دومین گروه از نوع روایی خطا، مقوله مجازات خطا است که چهار پی رفت را در بر می گیرد؛ نمونه های زیر از این قبیل است:

پ - بی مبالاتی خیر و احتیاط شر در طول سفر ← شر به خیر خیانت می کند ← خیر درمانده و ناتوان می شود ← خیر پادشاه شر را مجازات می کند ← خیر پادشاه عادل است.

صفات: بی مبالاتی خیر و احتیاط شر ← درماندگی و ناتوانی خیر ← عدالت

گری خیر

افعال: خیانت شر، خطای او را شکل می دهد ← مکافات شر، مجازات او را شکل می دهد.

ت - شاه بهرام آگاه و هوشیار است ← وزیر به شاه خیانت می کند ← شاه خشمگین می شود ← شاه، شکایات مظلومین را رفع، و وزیر خود را مجازات می کند ← شاه عادل است

صفات: آگاهی و هوشیاری شاه ← خشم شاه ← عدالت ورزی شاه
 افعال: خیانت وزیر خطای او را شکل می دهد ← مکافات وزیر مجازات خطای او را شکل می دهد.

ساختار روایی صفت در هفت پیکر

بر اساس نظریه تودورف، هر پی رفت کامل از پنج گزاره تشکیل می شود. گزاره های اول، سوم و پنجم، وضعیت آغازین، عدم تعادل و تعادل پایانی پی رفت را توصیف می کند. در این گزاره ها صفت و حالتی به نهاد جمله نسبت داده می شود. طرح و بررسی این صفات، سیر حرکت پی رفت و چگونگی تغییر صفات روایتی را نشان می دهد. وضعیت آغازین پی رفت های هفت پیکر، صفات متعدد و گوناگونی را در بر می گیرد. این صفات اولیه در بخش تاریخی هفت پیکر در جهت طرح پی رفت مطرح می شود و اغلب در شکل گیری کنش روایی مؤثر است. در بخش قصه های هفتگانه این صفات به گونه ای دیگر مطرح می شود. تنوع و تعدد آنها، وضعیت آغازین پی رفت را ناهمگون و نامتناسب جلوه می دهد. اغلب این صفات برای طرح پی رفت غیر ضروری و زائد است. به نظر می رسد طرح صفات آغازین پی رفت با نوع ادبی اثر ارتباط مستقیمی دارد. در بخش تاریخی هفت پیکر، که اغلب بافتی حماسی دارد، صفات ضروری و مهم مطرح می شود؛ اما در بخش قصه های هفتگانه که بافتی غنایی دارد، صفات گوناگون و غیر ضروری مطرح می شود. اغلب این صفات، ظاهر شخصیتها و ویژگیهای انسانی آنها را توصیف می کند. انواع تشبیه و استعاره، ابزار کاربردی شاعر برای توصیف شخصیتهاست. هم چنین ارتباط مستقیمی میان نوع روایت و صفات آغازین پی رفت وجود دارد. بدین ترتیب تعیین صفات آغازین پی رفت از نوع روایی آن متأثر است؛ یعنی صفات اصلی به واسطه کنش مرکزی یک پی رفت تغییر می یابد و بقیه صفات کم رنگ جلوه می کند.

از دیدگاه تودورف، شخصیت ابزار شکل گیری کنش است و با توجه به صفات او می توان شخص دیگری را جایگزین او کرد. پس شخصیت با طرح صفات عینیت می یابد؛ اما صفت آغازین پی رفت، همان صفت اصلی است که در طول پی رفت تغییر می کند. بنا بر این تعیین صفات روایت بر اساس این صفت اصلی صورت می گیرد، نه ویژگیها و تعینات شخصیت که در طرح پی رفت تغییری نمی یابد.

در این بخش، صفات پی رفت در سه بخش آغاز، عدم تعادل و پایان پی رفت در نموداری دقیق مطرح، و نوع صفت تعیین می شود. سپس بر اساس حرکت صفات، نمودار آن ترسیم، و نوع حرکت نشان داده می شود.

شماره پی رفت	صفت آغازین	عدم تعادل	صفت پایانی	نوع صفت
۱-۱	نیکویی طالع	نیکویی مجدد طالع	کیفیت
۱-۲	زیبایی خورنق	خشم نعمان	یکتایی خورنق	وضعیت
۱-۳	رفاه حکومت نعمان	بی سامانی حکومت	رونق حکومت	وضعیت
۱-۴	شجاعت بهرام	درنگ و تردید بهرام	سخاوت بهرام	وضعیت
۱-۵	شایستگی بهرام برای پادشاهی	خلع از پادشاهی	پادشاهی بهرام	وضعیت
۱-۶	رونق حکومت شاه	بحران حکومت	رونق مجدد حکومت	وضعیت
۱-۷	عیاشی شاه بهرام	درماندگی شاه	تنبه و آگاهی شاه	وضعیت
۱-۸	عیاشی شاه بهرام	درماندگی شاه	انزوا و ترک عیش	وضعیت
۱-۹	یگانگی پیرزن	حسادت به رقیب	کامیابی پیرزن	وضعیت
۱-۱۰	۱- حسادت پیرزن ۲- رسوایی پیرزن	کامیابی موقت پیرزن	وضعیت

وضعیت	بهبودی بیمار	بیماری فرزند سلیمان	۱-۱۱
وضعیت	ازدواج خیر	بیماری خیر	۱-۱۲
وضعیت	ازدواج دختر وزیر	بیماری دختر وزیر	۱-۱۳
وضعیت	وصال زیارو	دل باختگی شاهزاده	پرهیز از ازدواج زیارو	۱-۱۴
وضعیت	وصال شاهزاده	علاج ناپذیری بیماری شاهزاده	آمادگی و توانایی خیر	۱-۱۵
وضعیت	دل باختگی بهرام	شگفتی بهرام	فراغت بهرام	۲-۱
وضعیت	رضایت شاه بهرام	دعای دولت شاه	عیش شاه بهرام	۲-۲
وضعیت	سیاه پوشی به تبعیت از شاه	ظاهر سیاه پوش میهمان	۲-۳
وضعیت	اندوه شاه سیاه پوشان	سیاه پوشی او	عیاشی شاه سیاه پوشان	۲-۴
وضعیت	شیدایی و آشفته گی شاه	لجاجت شاه	شگفتی شاه	۲-۵
وضعیت	پشیمانی شاه	بی خبری شاه	بی قراری شاه	۲-۶
وضعیت	ناکامی شاه	دل باختگی شاه	اشتیاق شاه	۲-۷
وضعیت	رضایت شاه بهرام	دعای دولت شاه	عیش شاه بهرام	۲-۸
وضعیت	عیش مضاعف شاه	بی تابی شاه	عیش شاه بهرام	۲-۹
وضعیت	کامیابی پادشاه	دل باختگی پادشاه	دوری پادشاه از زنان	۲-۱۰
وضعیت	تطمیع کنیزک	تمرد کنیزک	۲-۱۱
کیفیت ۱ ← وضعیت	وصال زیارو	دل باختگی بشر	پرهیز گاری بشر	۲-۱۲
کیفیت	امانت داری بشر	پرهیز گاری بشر	۲-۱۳
وضعیت	رفاه مضاعف	آزردگی بهرام	رفاه بهرام	۲-۱۴

وضعیت ۲ و ۱ ← کیفیت	بهرام عدالت ورزی شاه	تردید شاه	عیش شاه بهرام	۲-۱۵
وضعیت	فرصت طلبی نا معقول	بیتابی خواجه	فضل خواجه ی پارسا	۲-۱۶
وضعیت ۱ ← کیفیت	هدایت ماهان	گمراهی او	عیاشی ماهان	۳-۱
وضعیت	خشنودی خواجه	ناراحتی و آزرده گی وی	فرصت طلبی خواجه	۳-۲
وضعیت	ناکامی خواجه	دل‌باختگی خواجه	لذت طلبی خواجه	۳-۳
وضعیت	ناکامی خواجه	اندوه خواجه	۳-۴
وضعیت	کامیابی خواجه	۱- اندوه خواجه ۲- ناکامی خواجه	۳-۵
وضعیت	خشنودی مظلوم	حبس مظلوم	---	۳-۶
وضعیت	آزادی مجدد مظلوم	حبس مظلوم	آزادی مظلوم	۳-۷
وضعیت	آزادی مجدد بازرگان	حبس بازرگان	آزادی بازرگان	۳-۸
وضعیت	زندگی عاشقانه مجدد او	حبس مطرب	زندگی عاشقانه مطرب	۳-۹
وضعیت	حشمت مجدد مرزبان	حبس مرزبان	حشمت مرزبان	۳-۱۰
وضعیت	خشنودی لشکری	حبس لشکری	لشکری مطیع	۳-۱۱

۳-۱۲	انزوای زاهد	حبس زاهد	انزوای مجددزاهد	وضعیت
۳-۱۳	عیش شاه بهرام	خشم شاه	خشنودی شاه بهرام	وضعیت
۳-۱۴	۱- اندوه کنیزک ۲- اندوه شاه	تنبه و آگاهی شاه	وضعیت
۳-۱۵	پند پذیری ماهان	دلباختگی ماهان	پشیمانی ماهان	وضعیت
۳-۱۶	بی مبالاتی خیر	درماندگی خیر	عدالت گری خیر	وضعیت ۱ و ۲ ← کیفیت
۳-۱۷	اعتماد چوپان	استیصال چوپان	اعتبار و آگاهی او	وضعیت
۳-۱۸	آگاهی شاه	خشم شاه	عدالت ورزی شاه	وضعیت ۱ و ۲ ← کیفیت

بررسی صفات روایتی نشان می دهد که اغلب آنها از مقوله وضعیت است . طرح پی رفت موجب تغییر صفات می شود . از طرفی در بعضی پی رفتها تلفیق دو گروه صفات روایتی ، یعنی وضعیت و کیفیت مشاهده می شود . کیفیت ها ، که از تقابل نیکی و بدی شکل می گیرد در آغاز و پایان برخی پی رفتها مشاهده می شود ؛ به عبارت دیگر گاهی حرکت صفات پی رفت و جهت ارزشی آنها یک کیفیت مثبت یا منفی را به دنبال دارد . مقوله کیفیت و تغییر آن نیز به دو مورد خلاصه می شود . پس به طور قطع ، هفت پیکر روایت تغییر و تبدیل وضعیتهاست . بر اساس دیدگاه تودورف ، مقوله دیگر صفات روایتی شرایط هستند . این مقوله صفاتی از قبیل سن ، جنس ، دین و پایگاه اجتماعی را در بر می گیرد . این گروه از صفات در طرح پی رفت تأثیری نمی گذارد . نقش آنها بر مراتب کم رنگ و کم اهمیت است . هم چنین حضور آنها حتی در تعادل

آغازین پی رفت نیز کم است؛ بنابراین در طرح صفات روایتی نادیده انگاشته می شود. تعادل پایانی پی رفت نسبت به تعادل آغازین سه حالت متفاوت دارد.

۱- سیر حوادث پی رفت، تعادلی هم ارز با تعادل اولیه و فراتر از آن را به وجود می آورد. در این قبیل پی رفتها تعادل ثانویه از تعادل اولیه برتر است؛ یعنی شخصیت به وضعیتی مطلوبتر می رسد. در انواع سه گانه روایی، تعادل پایانی پی رفت، صفات دیگر شخصیت یا وضعیتی مناسب و بهتر را مطرح می کند. سیر صفات روایی بیشتر پی رفتها در هفت پیکر بدین گونه است: نمودار حرکت این پی رفتها به صورت زیر است:

تعادل اولیه ← بر هم زدن تعادل ← عدم تعادل ← برقراری تعادل ← تعادل ثانویه

۲- تعادل ثانویه پی رفت در واقع بازگشت به تعادل آغازین است؛ یعنی طرح حوادث پی رفت به گونه ای است که تعادل اولیه پی رفت را دوباره برقرار می سازد. نمودار زیر، حرکت این پی رفتها را نشان می دهد:

تعادل اولیه ← بر هم زدن تعادل ← عدم تعادل ← برقراری تعادل ← تعادل ثانویه

پی رفتهای شماره ۱-۱، ۱-۶، ۱-۹، ۳-۶ تا ۳-۱۲ و ۳-۱۳ از این قبیل است.

۳- سیر حوادث پی رفت، تعادلی مقابل با تعادل اولیه به وجود می آورد. صفات ثانویه این پی رفتها در مقابل صفات اولیه قرار می گیرد. نمودار حرکت این قبیل پی رفتها به صورت زیر است:

تعادل اولیه ← بر هم زدن تعادل ← عدم تعادل ← برقراری تعادل ← تعادل ثانویه

پی رفتهای شماره ۱-۲، ۱-۸، ۱-۱۴، ۲-۱، ۲-۴، ۲-۵، ۲-۶، ۲-۷، ۲-۱۶، ۲-۲۱، ۳-۱، ۳-۱۵ و ۳-۱۷ از این قبیل است.

ساختار روایی فعل در هفت پیکر

بر اساس الگوی تودورف، رو ساخت متفاوت ما را به ساختار یکسان می‌رساند. این ساختار، نوع روایی کنش را تعیین می‌کند و بدین ترتیب انواع طرح طبقه بندی می‌شود. همان‌گونه که ذکر شد، انواع کنش در هفت پیکر در مقوله های رفع نیاز، دفع خطر، رفع خطا و مجازات خطا خلاصه می‌شود. بر این اساس انواع طرح در سه مقوله اصلاح و بهبود وضعیت، دفع خطر و مجازات خطا مطرح می‌شود. در مقایسه با انواع طرح داستانهای دکامرون، مقوله دفع خطر متمایز می‌شود. دو مقوله رفع نیاز و رفع خطا را می‌توان با عنوان اصلاح و بهبود وضعیت مطرح کرد. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان نوع روایی دفع خطر را در گروه اصلاح و بهبود وضعیت قرار داد. به نظر می‌رسد با اندکی تسامح، طبقه بندی این انواع با یک عنوان امکانپذیر باشد؛ اما بررسی موارد متعدد دفع خطر این امر را ناموجه می‌نماید؛ به عنوان مثال دفع خطر دشمن متجاوز و رویارویی با خطر ازدها برجسته و مهم جلوه می‌کند. از طرفی این نوع روایی کنش از نوع حماسی هفت پیکر متأثر است. این نوع ادبی در قصه های دکامرون مشاهده نمی‌شود. پس مقوله دفع خطر نیز در این اثر اهمیتی ندارد. بنابراین طرح این نوع روایی با عنوان اصلاح و بهبود وضعیت، هر چند ناممکن نیست از اهمیت و برجستگی آن به تناسب نوع ادبی اثر می‌کاهد. بدین ترتیب نتایج انواع طرح در هفت پیکر، نظریه دستور جهانی روایت را تأیید می‌کند. رو ساخت متفاوت این اثر در مقایسه با قصه های دکامرون، هم چنین نوع ادبی آمیخته آن، شگفتی ما را در بررسی نتایج به دست آمده بر می‌انگیزد. جدول زیر نتیجه بررسی ما را در تمام پی‌رفتهای هفت پیکر نشان می‌دهد:

شماره پی‌رفت	نوع پی‌رفت	نوع کنش	کنش اولیه	کنش ثانویه	قسم کنش ثانویه
۱-۱	کامل	دفع خطر	رویاری با خطر مرگ	پیشگویی کردن	موفق
۱-۲	کامل	دفع خطر	اعتراف	کشتن	موفق

	معمار	به حقیقت			
موفق	بازگشت به حکومت	کناره گیری از حکومت	دفع خطر	کامل	۱-۳
موفق	کشتن ازدها	رویاری با خطر ازدها	دفع خطر	کامل	۱-۴
موفق	مشارکت در آزمون	خیانت کردن	دفع خطر	کامل	۱-۵
موفق	یاری کردن	وقوع خطر قحطی	دفع خطر	کامل	۱-۶
موفق	شکست متجاوز	تجاوز کردن	دفع خطر	کامل	۱-۷
موفق	شکست متجاوز	تجاوز کردن	دفع خطر	کامل	۱-۸
موفق	فریب دادن رقیب	رویاری با خطر رقیب	دفع خطر	کامل	۱-۹
۱- ناموفق ۲-موفق	۱-فریب دادن ۲-انتقام جویی	----- --	دفع خطر	معکوس	۱-۱۰
موفق	اعتراف به حقیقت	----- --	دفع خطر	معکوس	۱-۱۱
موفق	درمان بیماری	----- ---	دفع خطر	معکوس	۱-۱۲
موفق	درمان بیماری	----- ---	دفع خطر	معکوس	۱-۱۳
موفق	اجرای شرایط	تعیین شرایط	دفع خطر	کامل	۱-۱۴

	مهلک	مهلک			
موفق	اجرای شرایط مهلک	تعیین شرایط مهلک	دفع خطر	کامل	۱-۱۵
موفق	کشف راز سرنوشت	رویارویی با دری بسته	رفع نیاز کنجکاو ی	کامل	۲-۱
موفق	قصه گویی	در خواست قصه	رفع نیاز کنجکاو ی	کامل	۲-۲
موفق	شرح سرگذشت	در خواست سرگذشت	رفع نیاز کنجکاو ی	کامل	۲-۳
موفق	شرح راز سرگذشت	جستجو ی حقیقت	رفع نیاز کنجکاو ی	کامل	۲-۴
موفق	شرح سرگذشت	در خواست سرگذشت	رفع نیاز کنجکاو ی	کامل	۲-۵
موفق	شرح راز	در خواست راز	رفع نیاز کنجکاو ی	کامل	۲-۶
۱- ناموفق	۱- رویارویی با ۲- دنیای جدید ۲- وصال ناموفق	رفع نیاز کنجکاو ی، عاشقانه	معکوس	۲-۷

موفق	قصه گویی	در خواست قصه	رفع نیاز کنجکاو ی	کامل	۸- ۱۳ تا ۲
موفق	خواستگاری مطلوب	یادآوری دلباختگی	رفع نیاز عاشقانه	کامل	۲-۱۴
موفق	وصال جویی	خرید و فروش کنیزان	رفع نیاز عاشقانه	کامل	۲-۱۵
۱- ناموفق ۲-موفق	۱- حقیقت جویی ۲- وصال جویی	رفع نیاز عاشقانه	معکوس	۲-۱۶
موفق	وصال جویی	در خواست ازدواج	رفع نیاز عاشقانه	کامل	۲-۱۷
موفق	مشارکت در آزمون	رفع نیاز عاشقانه	معکوس	۲-۱۸
موفق	ساخت بنا	نیاز مندی به امکانات مطلوب	رفع نیاز مادی	کامل	۲-۱۹
موفق	موافقت با در خواست	در خواست ساخت بنا	رفع نیاز مادی	کامل	۲-۲۰
موفق	رخنه کردن دیوار	عزم تفرج در باغ	رفع نیاز مادی	کامل	۲-۲۱
موفق	هدایت جویی	سود جویی	رفع خطا	کامل	۳-۱
موفق	عذر خواهی	مجازات متعدی	رفع خطا	کامل	۳-۲

ناموفق	وصال جویی	نظر بازی مخفیانه	رفع خطا	کامل	۳-۳
ناموفق	وصال جویی	رفع خطا	معکوس	۳-۴
ناموفق -۱ -۲ موفق	۱- وصال جویی ۲- وصال جویی	...	رفع خطا	معکوس	۳-۵
موفق	اجرای عدالت	ستم و تعدی کردن	رفع خطا	کامل	۶- ۱۲ تا ۳
ناموفق	مجازات کردن	تحقیق کردن	رفع خطا	کامل	۳-۱۳
ناموفق -۱ -۲ موفق	۱- تظاهر به قتل ۲- مقابله به مثل	رفع خطا	معکوس	۳-۱۴
موفق	شکنجه کردن	نقض پند کردن	مجازات خطا	کامل	۳-۱۵
موفق	مکافات کردن	خیانت کردن	مجازات خطا	کامل	۳-۱۶
موفق	مکافات کردن	خیانت کردن	مجازات خطا	کامل	۳-۱۷
موفق	مکافات کردن	خیانت کردن	مجازات خطا	کامل	۳-۱۸

نتیجه

بر اساس دیدگاه تودورف، ساختار نحو روایت در هفت پیکر از سه عنصر گزاره، پی رفت و در سطح بالاتر قصه تشکیل می شود. هر پی رفت کامل از پنج گزاره تشکیل می شود. پی رفت معکوس یا نیم پی رفت، قسم دیگر پی رفت است که از وضعیت عدم تعادل آغاز می شود. بررسی همه پی رفتهای هفت پیکر، ساختار صفت و فعل این روایت و نوع طرح آن را مشخص می سازد. بیشتر صفات روایی این اثر از مقوله وضعیت است. تعادل ثانویه نیز به سه صورت برتر و فراتر از تعادل آغازین، بازگشت به آن و متقابل با آن برقرار می شود. هم چنین ساختار فعل در هفت پیکر در چهار مقوله دفع خطر، رفع نیاز، رفع خطا و مجازات خطا خلاصه می شود. بر این اساس، انواع طرح در این اثر در سه مقوله دفع خطر، اصلاح و بهبود وضعیت و مجازات خطا طبقه بندی می شود.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، بابک، (۱۳۸۵)، ساختار و تاویل متن، چاپ هفتم، تهران: مرکز
- ۲- اخلاقی، اکبر، (۱۳۷۶)، تحلیل ساختاری منطق الطیر عطار، چاپ اول، اصفهان: فردا.
- ۳- اخوت، احمد، (۱۳۷۱)، دستور زبان داستان، چاپ اول، اصفهان: فردا
- ۴- آسابرگر، آرتور، (۱۳۸۰)، روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره، ترجمه محمد رضا لیراوی، چاپ اول، تهران: سروش.
- ۵- اسکولز، رابرت، (۱۳۸۳)، درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران: آگاه.
- ۶- ایگلتن، تری، (۱۳۸۰)، پیش درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- ۷- ایوتادیه، ژان، (۱۳۷۸)، نقد ادبی در قرن بیستم، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- ۸- بالایی، کریستف و میشل کویی پرس، (۱۳۷۸)، سرچشمه های داستان کوتاه فارسی. ترجمه احمد کریمی حکاک، چاپ اول، تهران: معین.
- ۹- تودوروف، تزوتان، (۱۳۸۲)، بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگاه.
- ۱۰- -----، (۱۳۸۵)، نظریه ادبیات، ترجمه عاطفه طاهایی، چاپ اول، تهران: اختران.
- ۱۱- حمیدیان، سعید، (۱۳۸۳)، گنجینه، با حواشی حسن وحید دستگردی، چاپ پنجم، تهران: قطره..
- ۱۲- زیرک، نصر الله، (بی تا)، طرحی در نقد، چاپ اول، رشت: حرف نو.
- ۱۳- سجودی، فرزانه، (۱۳۸۴)، نشانه شناسی و ادبیات، تهران: فرهنگ کاوش.
- ۱۴- سلدن، رامان، (۱۳۷۵)، نظریه ادبی و نقد عملی، ترجمه جلال سخنور و سیما زمانی، چاپ اول، تهران: پویندگان نور.

۱۵- علوی مقدم، مهیار، (۱۳۷۷)، نظریه های نقد ادبی معاصر، چاپ اول، تهران: سمت.

۱۶- گرین، کیت و جیل لیهان، (۱۳۸۳)، درسنامه نظریه و نقد ادبی، ترجمه گروه مترجمان، تهران: روزنگار.

۱۷- لپجت، جان، (۱۳۸۳)، پنجاه متفکر بزرگ معاصر، ترجمه محسن حکیمی، چاپ سوم، تهران: خجسته.

۱۸- مارتین، والاس، (۱۳۸۲)، نظریه های روایت، ترجمه محمد شهبان، چاپ اول، تهران: هرمس.

۱۹- نظامی گنجه ای، (۱۳۸۵)، هفت پیکر، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ پنجم، تهران: قطره.

20-Culler, jonatan , (1975), Structrulist poetics, London: routledge and kegan poul .

21- hawkes,terence ,(1977), structuralism and semiotics, london: Methuen.

22-todorov , tzvetan ,(1981)Introduction to poetics ,tra.Richard Howard , Minnesota uni.press .